مَا فَعَلْتُ مَا فَعَلْنَ

نکردم من مرد یا زن — نکردیم ما دو مرد یا دو زن و یا همه مردان و یا همه زنان

فصل در شعر عربی

ضم و رفع پیش باشد چون فُ . فتح و نصب زبر باشد چون فَ

کسر و جر و خفض زیر باشد چون فِ . وقف و جزم سکون بیان باشد چون فْ

بدانکه اول مذکور برای القاب مبنیت و ثانی برای معربت چنانچه

شاعر گفته است

بیت

ضم و فتح است و کسر و وقف ادب . رفع و نصب است و جر و جزم عرب

این چهار اول بود مبنی . و آن چهار دگر بود معرب

معرب آن باشد که گردد بار بار . مبنی آن باشد که ماند برقرار

فصل

این همه که گفتم جحد فعل ماضی معروف

بود و فاعل او پیدا بود چون خواهی که فاعل او را بیفکنی و فعل

مجهول را پیدا کنی فا فعلش را بضم کن و عین فعلش را بکسر

و لام فعلش را بحال خود بگذار چون فُعِلَ

کرده شد آن مرد

فُعِلَا — کرده شدند آن دو مرد
فُعِلُوا — کرده شدند آن همه مردان
فُعِلَتْ — کرده شد آن زن
فُعِلَتَا — کرده شدند آن دو زن
فُعِلْنَ — کرده شدند آن همه زنان
فُعِلْتَ — کرده شدی تو مرد
فُعِلْتُمَا — کرده شدید شما دو مرد
فُعِلْتُمْ — کرده شدید شما همه مردان
فُعِلْتِ — کرده شدی تو زن
فُعِلْتُمَا — کرده شدید شما دو زن
فُعِلْتُنَّ — کرده شدید شما همه زنان
فُعِلْتُ — کرده شدم من مرد یا زن
فُعِلْنَا — کرده شدیم ما دو مرد یا دو زن یا همه مردان یا همه زنان

فصل

این همه که گفتم اثبات فعل

ماضی مجهول بود چون خواهی که جحد کنی ما در اول او

در آر چون

مَا فُعِلَ — نکرده شد آن مرد
مَا فُعِلَا — نکرده شدند آن دو مرد
مَا فُعِلُوا — نکرده شدند آن همه مردان
مَا فُعِلَتْ — نکرده شد آن زن
مَا فُعِلَتَا — نکرده شدند آن دو زن
مَا فُعِلْنَ — نکرده شدند آن همه زنان
مَا فُعِلْتَ — نکرده شدی تو مرد
مَا فُعِلْتُمَا — نکرده شدید شما دو مرد
مَا فُعِلْتُمْ — نکرده شدید شما همه مردان
مَا فُعِلْتِ — نکرده شدی تو زن
مَا فُعِلْتُمَا — نکرده شدید شما دو زن
مَا فُعِلْتُنَّ — نکرده شدید شما همه زنان
مَا فُعِلْتُ — نکرده شدم من مرد یا زن
مَا فُعِلْنَا — نکرده شدیم ما دو مرد یا دو زن یا همه مردان یا همه زنان

فصل

اما حال آن باشد که اول او از

چهار حروف زوائده یکی باشد و آن یا و تا و الف

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)